



Pathology of some Parenting Styles from the Point of View of Iranian Experts and Parents: Qualitative Content Analysis

Peyman Hatamian¹, Kazem Rasoulzadeh Tabatabaei^{2*}

1- Postdoctoral Researcher of the Joint Project National Elites Foundation, Iran National Science Foundation (INSF) and Ferdowsi University of Mashhad, Iran

2- Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Education and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Corresponding author: Kazem Rasoulzadeh Tabatabaei, Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Education and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Email: rasool1340@um.ac.ir

Received: 13 Nov 2023

Accepted: 18 Dec 2023

Abstract

Introduction: Parenting practices in the family are closely related to children's mental health and their overall satisfaction with life, so the purpose of this research was to Pathology of some parenting practices from the point of view of mental health experts and Iranian parents.

Methods: The present study was qualitative content analysis and latent analysis method in the year 2023. The target population consisted of 7 psychologists and 6 religious experts and 8 Iranian parents, who were semi-structured interview by purposeful sampling until reaching saturation.

Results: The analysis of the findings led to the discovery of 6 main categories and 12 sub-floors. The main classes includes of factors such as; tool parenting style, apprehension and anxiety, neglect, inflexibility and strictness, false expectation and rejection.

Conclusions: The results indicate that inappropriate parenting practices can lead to the formation of irreparable injuries in children and negative impact on their personal and social life. Therefore, child experts, family experts and parents are advised to pay special attention to this issue.

Keywords: Parenting, health, Qualitative study, Iranian specialists.



آسیب شناسی برخی شیوه های فرزند پروری از دیدگاه متخصصان و والدین ایرانی: تحلیل محتوای کیفی

پیمان حاتمیان^۱، کاظم رسول زاده طباطبایی^{۲*}

۱- پژوهشگر پسادکترای طرح مشترک بنیاد ملی نخبگان، صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور و دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
۲- دانشیار گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

نویسنده مسئول: کاظم رسول زاده طباطبایی، دانشیار گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
ایمیل: rasool1340@um.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۲۳

چکیده

مقدمه: شیوه های فرزند پروری در خانواده، ارتباط تنگاتنگی با سلامت روانی فرزندان و رضایت مندی کلی آن ها از زندگی دارد، بنابراین هدف پژوهش حاضر، آسیب شناسی برخی شیوه های فرزند پروری از دیدگاه متخصصان سلامت روان و والدین ایرانی بود.

روش کار: مطالعه حاضر از نوع طرح های کیفی بود که به روش تحلیل محتوی و به شیوه نهفته در سال ۱۴۰۲ انجام شد. جامعه هدف شامل ۷ نفر از متخصصان روانشناسی، ۶ نفر از کارشناسان مذهبی و ۸ نفر از والدین ایرانی (در مجموع ۲۱ نفر) بود که به روش نمونه گیری هدفمند تا رسیدن به اشباع با آنها مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شد.

یافته ها: تحلیل یافته ها منجر به کشف ۶ طبقه اصلی و ۱۲ زیر طبقه شد. طبقات اصلی مواردی همچون؛ سبک فرزند پروری ابزاری، دلهره و تشویش، بی اعتنا، انعطاف ناپذیر و سخت گیر، انتظار نادرست و طردکننده را شامل می شود. **نتیجه گیری:** نتایج حاکی از آن است که شیوه های نامناسب فرزند پروری می تواند منجر به شکل گیری آسیب های جبران ناپذیر در فرزندان شود و بر ادامه زندگی فردی و اجتماعی آن ها تاثیر منفی بر جای بگذارد. بنابراین به متخصصان حوزه کودک، کارشناسان خانواده و والدین توصیه می شود به این مسئله توجه ویژه ای داشته باشند. **کلیدواژه ها:** فرزند پروری، سلامت، مطالعه کیفی، متخصصان ایرانی.

مقدمه

روانشناسان رشد همواره علاقه مند بوده اند که چگونگی تاثیر روش های تربیتی والدین را بر رشد و قابلیت های اجتماعی فرزندان در قالب شیوه های فرزند پروری مورد بررسی قرار دهند (۳). یکی از نخستین نظریه پردازانی که موضوع رشد فرزندان را در قالب شیوه های فرزند پروری مورد مطالعه قرار داد بامریند (۱۹۷۱) بود. او شیوه های فرزند پروری را در قالب چهار سبک مستبدانه، سهل گیر، طرد گرایانه و مقتدرانه مطرح می کند که آنها غالباً ترکیبی از رفتارهای حمایت گر یا کنترلگر والدین در موقعیت های مختلف می باشند (۴).

خانواده به عنوان یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی در طول تاریخ، نقش حیاتی برای رشد، پیشرفت و اجتماعی شدن انسان ها بر عهده داشته است (۱). ماهیت سیستمی خانواده ایجاب می کند که والدین خود را درگیر دو نوع از رفتار یا رابطه در ارتباط با اعضای خانواده خود کنند. در نوع اول از رابطه، زن و شوهر با یکدیگر چارچوب خانواده را شکل داده اند. نوع دوم رابطه، فرزندان خانواده را نیز شامل می شود که ارتباط دو سویه با والدین دارند. منطقیاً کیفیت روابط والدین بر کیفیت زندگی فرزندان اثر می گذارد (۲).

پیمان حاتمیان و همکاران

های اصلی فرزند پروری بر می گردد (۱۳-۱۴). هونگ، کیم، دلارا و الکساندر (۲۰۲۰) در پژوهشی چنین دریافتند که تفاوت سبک های فرزند پروری در کشورهای آسیایی با کشورهای آمریکایی قابل ملاحظه است (۱۵). ژانگ، وی، چن و دیاتر (۲۰۱۷) در مطالعه ای که با هدف بررسی نقش فرهنگ در فرزندپروری در جامعه ی چینی پرداختند، بدین نتیجه دریافتند که فرهنگ و بافتار اجتماعی نقش بسیار تعیین کننده ای در شیوه فرزند پروری دارد (۱۶).

در نهایت بایستی گفت، به نظر می رسد از آنجایی که رفتار خانواده ها متأثر از باید و نبایدها و بافتار فرهنگی است که در آن زندگی می کنند، بنابراین توجه به الگوهای بومی در حوزه فرزند پروری متناسب با فرهنگ می تواند بسیار ارزشمند و ضروری باشد. از این رو پژوهش حاضر با بهره گیری از دیدگاه متخصصان سلامت روان و والدین ایرانی برخی از بارزترین شیوه های فرزند پروری که ممکن است تاثیر منفی را بر الگوی سالم فرزندپروری بر جای بگذارند را به روش کیفی شناسایی نموده است. لازمه ی شناسایی چنین شیوه های فرزندپروری، نه تنها می تواند کمک کند که والدین با آگاهی و شناخت از این گونه شیوه ها، در پرورش فرزندان خود از این چنین الگوهای بهره نگیرد، بلکه حتی بهترین شیوه فرزند پروری که همان شیوه فرزندپروری حمایت گر، مقتدرانه و معقول است را دنبال نمایند. قابل ذکر است ضرورت استفاده از روش کیفی در مطالعه حاضر، کشف و بررسی عمیق اطلاعات مورد نیاز در این زمینه از طریق مصاحبه با متخصصان، کارشناسان و والدین ایرانی بود.

روش کار

پژوهش حاضر از نوع پژوهش کیفی (روش تحلیل محتوا) و به شیوه تحلیل نهفته بود. هدف تحلیل محتوا نهفته، سازماندهی و استخراج معنی از داده های جمع آوری شده و نتیجه گیری واقع بینانه از آن است کریپندورف (۲۰۰۴) تحلیل محتوا نهفته را به عنوان «یک روش تحقیق برای انجام استنتاج های قابل تکرار و معتبر از متون و مصاحبه ها (یا سایر مطالب معنی دار) در زمینه های مورد استفاده از آنها» تعریف می کند (۱۷). جامعه مورد مطالعه در این پژوهش شامل کارشناسان مذهبی، متخصصان روانشناسی و

طبق نظریه بامریند در خانواده هایی که الگوی فرزند پروری مقتدرانه در آنها حکم فرما است، ضمن اینکه اعضای خانواده ارتباط صمیمی و نزدیکی با همدیگر دارند، در واقع فرزندانی هم که در چنین کانون پر از محبتی پرورش می یابند، آرامش روانی بیشتر و سلامت روانشناختی بالاتری را تجربه خواهند کرد و در آینده با الگوگیری از والدین خود، کارآمد عمل نموده و خانواده های کارآمد نیز تشکیل خواهند داد (۵). بر عکس، نتایج حاکی از آن است که شیوه های نامناسب فرزند پروری می تواند موجب شکل گیری مشکلات جبران ناپذیر روانشناختی در فرزندان شود (۶). برخی از نظریه های روانشناختی این موضوع را تایید کرده اند، به عنوان مثال؛ طبق نظریه دلبستگی بالبی پیوند عاطفی محکم بین کودک و مادر سلامت روانشناختی او را در طول زندگی تحت تاثیر قرار می دهد، چراکه الگوهای دلبستگی نایمن پیش بینی کننده قوی برای مشکلات روانشناختی در نوجوانی و بزرگسالی هستند (۷). همچنین طبق نظریه روابط-شیء کلاین، عواملی همچون بی کفایتی اجتماعی، دلبستگی نایمن، خیال پردازی در خودمانده، تفرق و پرخاشگری فعل پذیر مهم ترین پیش بینی کننده های مشکلات روانشناختی در افراد هستند که متاثر از رابطه والد-فرزند در اوایل زندگی است (۸). بین و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه ای تاکید داشتند که حاکم بودن سبک های فرزندپروری مستبدانه و سهیل گیر در خانواده موجب افزایش دلزدگی و کاهش سطح رضایت در روابط بین والدین و فرزندان می شود (۹).

نابایستی غافل بود از اینکه ممکن است هر خانواده ای شیوه های خاصی را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار گیرد. این شیوه ها که به عنوان شیوه های فرزند پروری تعریف می شوند، متاثر از عوامل مختلف از جمله عوامل فرهنگی، اجتماعی و موارد این چنینی هستند (۱۰). پژوهش های مختلفی نشان داده اند که باورهای فرهنگی والدین و به تبع آن اهداف تربیتی و سبک های فرزند پروری آنها با توجه به تفاوت های بین فرهنگی و درون فرهنگی در سامانه معنایی، از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است (۱۱-۱۲). نتایج نشان می دهد که علت تفاوت در سبک های فرزند پروری بین جوامع و گروه های قومی مختلف، به تفاوت های فرهنگی در ارزش های تربیتی و معنای مولفه

والدین ایرانی در سال ۱۴۰۲ بودند. در گام اول با ۱۳ نفر از متخصصان و کارشناسان بر اساس سوابق علمی، پژوهشی و میزان سابقه آنها در حوزه خانواده و فرزند پروری مصاحبه نیمه ساختار یافته انجام شد و در گام بعدی با ۸ نفر از والدین نیز تا رسیدن به اشباع مصاحبه انجام گرفت (در مجموع ۲۱ مصاحبه). قابل ذکر است که از آنجایی که نمونه گیری در پژوهش حاضر از نوع هدفمند بود و در نمونه گیری هدفمند که یکی از روش های نمونه گیری غیر احتمالی است، شرکت کننده ها بر اساس در دسترس بودن و نزدیکی به پژوهشگر انتخاب می شوند. منطق این نوع از انتخاب به این مفهوم برمی گردد که شرکت کننده های انتخاب شده، بیشترین میزان اطلاعات را بر اساس سؤال های پژوهش فراهم می آورند (۱۸). ملاک های ورود برای شرکت کننده گان (در بخش متخصصان) شامل؛ داشتن مدرک دکتری تخصصی روانشناسی تربیتی، مشاوره خانواده یا تحصیلات حوزوی مرتبط بود، همچنین ملاک های ورود برای بخش دوم شرکت کننده گان (یعنی والدین) صرفاً داشتن حداقل ۲ فرزند بالای ۱ سال بود. از جمله ملاک های خروج در هر دو دسته از شرکت کننده گان عدم پاسخ گویی به سؤالات تا زمانی که مصاحبه کننده به اقصاء برسد و نیز عدم تمایل جهت ادامه روند مصاحبه بود. قابل ذکر است که زمان مصاحبه ها در محدوده بین ۳۰ الی ۶۰ دقیقه به طول می انجامید به طور میانگین برای متخصصان ۳۶ دقیقه و برای والدین ۴۴ دقیقه بود.

چگونگی اجرای پژوهش به این صورت بود که در مرحله نخست، پس از شناسایی متخصصان و صاحب نظران در حوزه مورد مطالعه و نیز والدین شرکت کننده، رضایت آگاهانه از هر کدام از آنها اخذ شد. در ادامه از شرکت کنندگان درخواست شد که اطلاعات دموگرافیک را در اختیار پژوهشگران قرار دهند (اطلاعات کامل در جدول ۱ آمده است)، سپس سؤالاتی که با نظارت و تأیید تیم پژوهش متناسب با موضوع مطالعه طراحی شده بودند به صورت باز پاسخ از شرکت کنندگان پرسیده می شد. قابل ذکر است که محتوای سؤالات مطرح شده از متخصصان با والدین شرکت کننده تا حدودی متفاوت بود، چراکه سؤالات مطرح شده برای متخصصان روانشناسی و مذهبی بیشتر با تأکید بر دیدگاه علمی و تخصصی آنها بود؛ در

حالی که چارچوب سؤالات ارائه شده برای والدین با هدف بررسی تجارب آن ها پرسیده می شد (نمونه ای از سؤالات مطرح شده برای متخصصان به شرح زیر بود: متناسب با دیدگاه علمی و تخصصی شما کدام شیوه ی فرزند پروری از منظر فرهنگ ما مورد تأیید و کدام شیوه ی تربیتی مورد تأیید نمی باشد؟؛ همچنین نمونه ای از سؤالات مطرح شده برای والدین به این صورت بود که: با توجه به تجربیات شما از تربیت فرزندانتان به نظرتون کدام شیوه ی فرزند پروری بیشتر مورد تأیید و پیشنهاد شماست؟ بنظرتون کدام روش تربیتی موجب سلامت فرزندان و برعکس کدام یک موجب آسیب در آن ها می شود؟). از این رو، مصاحبه ها تا زمان به اشباع رسیدن مقوله ها و تا جایی که نیاز به اطلاعات بیشتر برای تبیین نبود، ادامه پیدا کرد. گفتنی است که در طول زمان مصاحبه با کسب اجازه از شرکت کننده گان جلسات مصاحبه ضبط می شد و بعد از انجام هر مصاحبه بلافاصله پیاده سازی انجام می گرفت. از آنجایی که شیوه تجزیه و تحلیل در مطالعه حاضر، تحلیل محتوی به روش نهفته بود و آغاز تحلیل داده ها با اولین مصاحبه شروع می شد، همگام با انجام مصاحبه ها تحلیل داده ها نیز انجام می گرفت، بنابراین پس از پیاده سازی چندین بار محتوا بررسی می شد تا پژوهشگر به درک کلی از محتوا دست یابد. در مراحل ابتدایی کدها انسجام کمتری داشتند ولی به تدریج از انسجام بیشتری برخوردار شدند، داده های برگرفته از مصاحبه ها در مجموع بعد از حذف و همسان سازی کدهای مشابه و تکراری منجر به کشف ۱۲۹ کد اولیه (کد باز)، ۱۲ زیر طبقه و ۶ طبقه اصلی شد. قابل ذکر است که نحوه شکل گیری هر یک از زیر طبقات و طبقات اصلی، بدین صورت بود که در گام نخست، مفاهیمی که نقاط مشابهی داشتند در کنار یکدیگر قرار داده می شدند و یک طبقه را تشکیل می دادند. در گام بعدی، عنوان ابتدایی متناسب با مشخصه های آنها انتخاب و با افزایش تعداد طبقات، طبقات مشابه در یک طبقه کلی تر جای می گرفتند، و در پایان متناسب با جنبه های مشترک طبقات اصلی، درون مایه نهایی آن طبقات، حاصل می شد. در جدول ۱ اطلاعات مربوط به مصاحبه شوندگان به ترتیب جامعه هدف آمده است.

پیمان حاتمیان و همکاران

جدول ۱: مشخصات جمعیت شناختی مشارکت کنندگان در مطالعه

شهر محل سکونت	هیئت علمی/غیر هیئت علمی	زمینه تخصصی	مدرک تحصیلی	سابقه کار (سال)	سن	جنس	جامعه هدف
تهران	غیر هیئت علمی	روانشناسی خانواده	دکتری تخصصی	۱۷	۵۱	آقا	متخصصان روانشناسی خانواده
زاهدان	غیر هیئت علمی	روانشناسی خانواده	دکتری تخصصی	۱۱	۳۸	خانم	
تهران	هیئت علمی	مشاوره خانواده	دکتری تخصصی	۱۵	۴۷	آقا	
اهواز	هیئت علمی	روانشناسی تربیتی	دکتری تخصصی	۳۳	۶۵	آقا	
تهران	هیئت علمی	مشاوره خانواده	دکتری تخصصی	۲۰	۴۶	آقا	
کرمانشاه	هیئت علمی	روانشناسی تربیتی	دکتری تخصصی	۱۸	۴۹	خانم	
سمنان	غیر هیئت علمی	روانشناسی خانواده	دکتری تخصصی	۲۴	۵۴	خانم	کارشناسان مذهبی
مشهد	غیر هیئت علمی	مشاوره خانواده	تحصیلات حوزوی	۳۰	۶۲	آقا	
مشهد	غیر هیئت علمی	مشاوره خانواده	تحصیلات حوزوی	۳۸	۶۶	آقا	
اصفهان	غیر هیئت علمی	علوم تربیتی	تحصیلات حوزوی	۲۸	۵۶	خانم	
قم	هیئت علمی	علوم تربیتی	تحصیلات دانشگاهی و حوزوی	۱۹	۶۴	آقا	
شیراز	غیر هیئت علمی	علوم تربیتی	تحصیلات حوزوی	۱۵	۴۷	آقا	
قم	هیئت علمی	علوم تربیتی	تحصیلات دانشگاهی و حوزوی	۱۰	۳۸	آقا	والدین ایرانی
شغل	تعداد فرزند	تحصیلات	سن	جنس			
خانه دار	۳	دیپلم	۴۱	خانم			
کارمند	۲	کارشناسی	۳۵	خانم			
خانه دار	۲	کارشناسی	۲۸	خانم			
کارمند	۳	کارشناسی ارشد	۴۹	آقا			
کارمند	۴	فوق دیپلم	۵۳	خانم			
کارمند	۲	کارشناسی	۶۱	آقا			
آزاد	۲	دیپلم	۳۸	آقا			
خانه دار	۴	کارشناسی	۴۴	خانم			

و کارشناسان مذهبی و نیز ۸ مصاحبه با والدین انجام شد (در مجموع ۲۱ مصاحبه)، بعد از حذف و همسان سازی کدهای مشابه و تکراری ۱۲۹ کد باز، ۱۲ زیر طبقه و ۶ طبقه اصلی حاصل شد. در جدول زیر اطلاعات مربوط به هر کدام آمده است.

یافته ها

در جدول ۲ نتایج تحلیل محتوای کیفی مربوط به پژوهش حاضر آمده است. قابل ذکر است که یافته ها از مصاحبه با کارشناسان مذهبی، متخصصان روانشناسی و والدین ایرانی بدست آمده است. نحوه ی استخراج داده های بدین شرح بود که بعد از ۱۳ مصاحبه ای که با متخصصان روانشناسی

جدول ۲: خلاصه ای از کدهای اولیه به همراه زیرطبقات و طبقات اصلی

نمونه ای از کدهای اولیه	زیر طبقات	طبقات اصلی
-مدام قضاوت کردن -بایستی همیشه از دیگران بهتر باشی	رقابتی	فرزند ابزاری
-با همسالان مقایسه شدن -تو باید مثل فلان شخص باشی	مقایسه	
-در معرض خطر قرار دادن عمدی -ایجاد ترس واقعی برای فرزند جهت تهدید او	ایجاد ترس	فرزند پروری مبتنی بر دلهره و تشویش
-ایجاد نگرانی برای فرزند یا دیگر اعضای خانواده -فراهم کردن موقعیت های دلشوره آور	اضطراب آور	
-نداشتن نظارت بر روی فرزند -رها کردن فرزند و عدم پیگیری روابط او	سهل گیر	فرزند پروری از نوع بی اعتنا
-بی توجه نکردن به موفقیت های فرزندان -بی توجهی مداوم	بی خیال	
-داشتن روحیه بسیار خشک، سخت و مقرراتی -نگاه بالا به پایین در تربیت فرزند	خشک و دستوری	فرزند پروری مبتنی بر عدم انعطاف و سخت گیر
-محدود کردن حق انتخاب های کودک -باید و نباید دائم	محدود کننده و کنترلگر	
-دست روی دست بگذارد و منتظر باشد اتفاق تازه ای روی دهد -منتظر برنامه ریزی دیگری بودن	در انتظار معجزه بودن	داشتن انتظارات نامعقول در تربیت فرزندان
-توقع فراوان از فرزند -توجه بیش از اندازه به عقاید خویش تا توجه به نگرش کودک	پر توقع بودن	
-خودداری از رفتار صمیمانه و عاطفی با فرزندان -ایجاد احساس بی کفایتی در خود و فرزند	دوری گزین	فرزند پروری مبتنی بر طرد
-عصبانیت نسبت به ساده ترین رفتار فرزند -تنبیه های ناگهانی برای فرزندان اعمال کردن	تکانشی عمل کردن	

شکنی های اجتماعی را نیز در کودک ایجاد نماید. شرکت کننده شماره ۶ (متخصص روانشناسی): «من احساس میکنم خیلی از مشکلات روانشناختی در فرزندان به دلیل نظارت نادرست والدین ایجاد می شود، به فرض مثال والدینی که مداوم فرزندانشان را با دیگران مقایسه می کنند، در بسیاری از مواقع غیر از اینکه آنها را تحقیر کنند نتیجه ای برای فرزند به دنبال نخواهد داشت؛ فکر نمی کنید این طور رفتارهای مقایسه ای شدید بخاطر اهدافی است که شاید خود والدین یک زمانی مایل بودند به آن اهداف دست پیدا کنند ولی در رسیدن به آن شکست خوردند و حالا می خواهند از فرزندشان بخواهند که هر طور شده به آن هدف (که در اصل ممکن است با توانمندی او در تعارض باشد) دست پیدا کند؟ اگر اینطور باشد چنین شیوه فرزند پروری به نوعی استفاده ابزاری از کودک است نه حمایت و تربیت واقعی او». شرکت کننده شماره ۳ (از والدین شرکت کننده):

الف) فرزند ابزاری: می توان گفت منظور از فرزند ابزاری در اینجا نوعی استفاده یا به عبارتی سوء استفاده برخی از والد یا والدین از فرزندان خویش است. به عنوان مثال در نظر بگیرید زمانی که والدین به جای نظارت مقتدرانه و حمایت منطقی از فرزندان خود آنها را آگاهانه و یا بعضا به خاطر عدم آگاهی وارد میدان های آسیب زایی همچون تشویق افراطی به رقابت با دیگران (از قبیل؛ همسالان، دوستان و اقوام) می کنند و یا با مقایسه کردن غیر منطقی فرزندان خود با دیگران سعی در تحریک و تشویق نامناسب آنها دارند بدون اینکه تفاوت های فردی و شخصیتی آنها با همسالان را در نظر بگیرند، این گونه شیوه ی فرزند پروری مصداق بارز استفاده ابزاری از فرزند است که نه تنها آسیب های عدیده رفتاری و شناختی را برای فرزندان در پی خواهد داشت، بلکه ممکن است در ادامه زندگی مشکلات دیگری همچون بیماری های جسمانی و هنجار

پیمان حاتمیان و همکاران

مادری هیچ گونه نظارتی و احساس تعهدی نسبت به رفتار فرزندان نشان ندارند. قلم به درد می‌آید، خوب این گونه برخورد والدین قطعاً پیامدهای منفی را برای فرزندان به دنبال خواهد داشت.»

ت) فرزند پروری مبتنی بر عدم انعطاف و سخت‌گیر: نتایج پژوهش‌های مختلف حاکی از آن است که هر چقدر والدین رابطه صمیمی با فرزندان خود داشته باشند، آنها راحت‌تر می‌توانند بر مشکلات خود غلبه کنند و برعکس، رابطه‌ای که همراه سخت‌گیری بی‌دلیل و روابط خشک و مبتنی بر نگاه از بالا به پایین با فرزندان مشکلات عدیده‌ای را برای آنها به دنبال خواهد داشت (۲۱). شرکت‌کننده شماره ۵ (متخصص روانشناسی): «والدینی هستند به حدی مقرراتی اند به گونه‌ای که در تصمیم‌گیری‌ها هیچ گونه توجهی به اظهار نظر فرزندان نمی‌کنند و این طیف از والدین معمولاً خیلی خشک و مقرراتی در خانواده و در ارتباط با فرزندان خود برخورد می‌کنند، قطعاً این شکل نامناسب فرزندپروری است، چون که انعطاف‌پذیری رکن مهمی از رابطه والد-فرزند است». شرکت‌کننده شماره ۴ (از والدین شرکت‌کننده): «من زیاد سخت‌گیری نسبت به رفتارهای فرزندم ندارم، نه اینکه نسبت به اعمال و رفتار آنها بی‌تفاوت باشم، نه. بلکه احساس می‌کنم خشک برخورد کردن با فرزندان به جای اینکه نتیجه مثبتی داشته باشد، برعکس می‌تونه نتایج منفی را برای فرزندم و حتی نحوه‌ی رابطه‌ی من با من به دنبال داشته باشد.»

ث) داشتن انتظارات نامعقول در تربیت فرزندان: آنچه مسلم است اینکه هر چقدر والدین توقعات نابجا و نامعقول از فرزندان خود داشته باشند سلامت روانشناختی فرزندان بیشتر در معرض تهدید قرار خواهد گرفت. شرکت‌کننده شماره ۹ (کارشناس مذهبی): «خانواده‌ها نایستی رفتارهاشون طوری باشه که انتظارات نادرستی از فرزندشون داشته باشند، گاهی می‌بینیم توقع بسیار زیادی از کودکان دارند به شکل افراطی و در حدی که از توان کودک خارج هستش، این درست نیست چون حتی بزرگان دینی ما هم تاکید دارند بر اینکه ما بایستی بیشتر از ظرفیت کودکان از آنها انتظار نداشته باشیم». شرکت‌کننده شماره ۸ (از والدین شرکت‌کننده): «برخی مواقع پدر یا مادر کلاً انتظار دارند که یک نفر از بیرون بیاد و مشکلات فرزندشون رو حل کنه، به نظرم این انتظار منطقی نمیتونه باشه، پدر و مادرها بایستی خودشون با همفکری اعضای خانواده راجع

«می‌بینم برخی از خانواده‌ها بچه‌هاشون رو وادار به رقابت کردن با بچه‌های فامیل و اطرافیان می‌کنن، به نظر من این کار درستی نیست و ممکنه ناخواسته مشکلات روانی زیادی را برای فرزندشون به وجود بیارند.»

ب) فرزند پروری مبتنی بر دلهره و تشویش: در فرزند پروری مبتنی بر دلهره و تشویش والدین با ایجاد کردن موقعیت‌های دلهره‌آمیز برای خانواده و فرزندان، نقش مهمی در شکل‌گیری و حفظ اضطراب در فرزندان خود فراهم می‌کنند، به عبارتی برخی از شیوه‌های نادرست فرزند پروری با ترس‌های غیر منطقی و اضطراب در فرزندان همبستگی بالایی دارد (۱۹). شرکت‌کننده شماره ۱۰ (کارشناس مذهبی): «ما بایستی مراقب چگونگی رفتار خود با فرزندانمان باشیم، چراکه رفتارهای ما ممکنه ترس و نگرانی برای فرزندانمان به وجود بیاره و مسیر تربیت را برای ما با مشکل مواجهه سازد». شرکت‌کننده شماره ۷ (از والدین شرکت‌کننده): «گاهی نگرانی زیادی راجع به فرزندم دارم و البته نگرانی که بیشتر در جهت کمک به او نه‌است، ولی با این وجود میدانم که همین نگرانی هم رفتار خودم را به شکل منفی تحت تاثیر قرار می‌دهد و هم برای فرزندم اضطراب و نگرانی به وجود میاره، به نظر میرسه بهتر باشه که خیلی از والدین به جای دلشوره و ترس و ابراز آن برای فرزندان، آنها را میریت کنند.»

پ) فرزند پروری از نوع بی‌اعتنا: از اساسی‌ترین وظایف والدین در امر تربیت فرزندان برخورد و ارتباط منطقی و درست با آنهاست. در این نوع از شیوه فرزندپروری والدین از لحاظ عاطفی کناره‌گیر هستند، شاید به علت غرق شدن در مسائل شخصی و فشارهای خانوادگی، وقت و انرژی کمی را برای فرزندان اختصاص می‌دهند و فرصت کافی برای ایجاد و اجرای نظم و قانون در خانواده ندارند (۲۰). شرکت‌کننده شماره ۲ (متخصص روانشناسی خانواده): «بینید گاهی مواقع والدین (برعکس حالت‌های قبلی که می‌گفتیم دخالت زیاد دارند یا برعکس منطقی رفتار می‌کردن در چگونگی تربیت فرزند) این بار ضمن اینکه محبت کمی نسبت به فرزندانشون دارند، در برخی از مواقع به طور کلی رابطه عاطفی بسیار سردی با فرزندانشون نشون می‌دهند، به گونه‌ای که با یک کودک غریبه برخورد می‌کنند و به حدی سهل‌گیر و بی‌اعتنا اند انگار که کودکشان را رها کرده‌اند». شرکت‌کننده شماره ۱ (از والدین شرکت‌کننده): «من خودم فرزند دارم، وقتی می‌بینم پدر یا

به مشکلات و مسائل خودشون تصمیم بگیرند».

ج) فرزند پروری مبتنی بر طرد: این سبک از فرزند پروری معمولاً والدینی را دربر می گیرد که نه تنها بر رفتار فرزندانشان نظارت ندارند، بلکه همچنین نسبت به نیازهای اساسی فرزندانشان بی توجهی افراطی نشان می دهند. این والدین گاهی مواقع تنبیه های ناگهانی را برای فرزندانشان اعمال می کنند و یا از طریق رفتارشان احساس بی کفایتی را در آنها به وجود می آورند. شرکت کننده شماره ۳ (متخصص روانشناسی): «ما به دسته از والدینی رو داریم که کلاً از فرزندانمون هم از لحاظ عاطفی و هم رفتار صمیمانه دور هستند، این والدین گاهی رفتارهای پرخاشگرانه هم نسبت به فرزندانمون انجام میدن، اغلب والدینی که سوء مصرف مواد مخدر یا روانگردان ها دارند سبک غالبشون این چنین رفتارهاست». شرکت کننده شماره ۲ (از والدین شرکت کننده): «مادرانی هستند که محروم می کنند فرزندانمون رو از محبت های خود و تایم کافی رو در خدمت فرزندانمون برای ابراز خوشتن قرار نمیدن، این شیوه از فرزندداری قطعاً نتایج و پیامدهای منفی را برای فرزندان به دنبال خواهد داشت و گاهی احساس بی کفایتی و پوچی را به آنان منتقل می کند».

شواهد استحکام، صحت و سقم یافته ها

در مورد میزان هماهنگی زیر طبقات و طبقات اصلی با موضوع مورد هدف متخصصان صاحب نظر پسخوراند لازم را در ارتباط با طبقه بندی ارائه دادند و مطابق با نظر لینکلن و گوبا (۱۹۸۶) از ۴ معیار قابلیت اعتبار، قابلیت ثبات و اطمینان، قابلیت انتقال پذیری و تایید پذیری استفاده گردید (۲۲). جهت کسب قابلیت اعتبار تلاش شد تا شرکت کنندگان با حداکثر تنوع تجربیات متناسب با موضوع مورد مطالعه انتخاب شوند و نمونه گیری تا رسیدن یافته ها به اشباع ادامه یافت. در این پژوهش، پس از پیاده سازی مصاحبه ها متن مصاحبه به شرکت کنندگان ارائه شد و از آن ها خواسته شد در صورت داشتن هر گونه مغایرت، مراتب مورد توجه و بررسی قرار می گرفت. همچنین در آخر متن کامل کلیه مصاحبه ها همراه با کد گذاری و طبقات اولیه به ۲ نفر از متخصصان ارسال شد، علاوه بر نظرات تاییدی و تکمیلی متخصصان در کلیه مراحل کار در جهت پیاده سازی، کد گذاری و استخراج طبقات اولیه استفاده شد. برای سنجش قابلیت ثبات و اطمینان تلاش شد میزان پایداری یافته ها در طول زمان و شرایط متفاوت بررسی

شود، جهت دست یابی به این کار علاوه بر اینکه تلاش شد از طولانی شدن زمان جمع آوری داده ها (انجام مصاحبه ها) تا حد امکان خودداری شود و از همه مشارکت کنندگان راجع به این موضوع پرسیده شود، همچنین از یک ناظر خارجی خواسته شد یافته ها را دقیق بررسی نماید. قابلیت انتقال پذیری به این نکته اشاره دارد که آیا نتایج یک مطالعه کیفی می تواند به یک محیط متفاوت دیگر نیز منتقل شود؟ (۲۳). اگر چه در پژوهش کیفی هدف تعمیم پذیری نیست، اما قابلیت انتقال پذیری یافته ها می تواند به استحکام و موثق بودن آن ها کمک کند. جهت دست یابی به این کار، پژوهشگر پس از پایان یافتن مصاحبه ها، با چند متخصص دیگر غیر از شرکت کنندگان اولیه مصاحبه انجام داد و اطلاعات جدیدی که نیاز به اصلاح باشد به دست نیامد. همچنین از آنجایی که تلاش شده بود شرکت کنندگان از لحاظ شرایط سنی و جنسیتی و نیز از شهرهای مختلف انتخاب شوند، بنابراین این امکان جهت انتقال پذیری در شرایط مشابه مهیا بود. تأییدپذیری به عینیت کیفی گزارش طبیعت گرایانه کیفی اطلاق می شود. یعنی اینکه چقدر یافته های پژوهش عملاً و واقعاً مبتنی بر داده ها هستند. در این پژوهش محقق با یادداشت کردن تمام بینش ها، اسنادها، فایل های صوتی و توجه به جزئیات سعی نمود اطلاعات کافی را به طور مداوم ثبت و مستند سازی نماید، همچنین تلاش شد تا از سوگیری های خود آگاه شود و آن ها را در نتایج و تحلیل ها دخالت ندهد. همچنین از روش بازنگری متخصصان استفاده شد، بدین صورت که کدهای استخراج شده در اختیار متخصصان قرار گرفت و از آن ها خواسته شد در مورد مرتبط بودن و ضرورت آن ها نظر بدهند.

بحث

پژوهش حاضر با هدف شناسایی شیوه های نامناسب فرزند پروری از دیدگاه متخصصان و والدین ایرانی انجام شد. شیوه های نامناسب فرزند پروری در این مطالعه در قالب شش طبقه اصلی از جمله؛ فرزند ابزاری، فرزند پروری مبتنی بر دلهره و تشویش، فرزند پروری از نوع بی اعتنا، فرزند پروری مبتنی بر عدم انعطاف، فرزند پروری مبتنی بر انتظارات نامعقول و در نهایت فرزند پروری مبتنی بر طرد مورد شناسایی قرار گرفتند. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که تمامی عوامل شناسایی شده در این پژوهش به

پیمان حاتمیان و همکاران

و همکاران در مطالعه ای که به بررسی کنترل شناختی و انعطاف پذیری شناختی والدین کودکان مبتلا به اتیسم پرداختند، بدین نتیجه دست یافتند که رفتار انعطافی والدین در باره کودکانشان می تواند موجب افزایش رشد شناختی در آنها شود (۲۷). از طرفی دیگر، فرزند پروری مبتنی بر طرد در مطالعه حاضر به حالتی اشاره دارد که والدین به جای ابراز محبت و حمایت از کودکان، آن را از خود دور کنند و یا با رفتارهای تکانشی زمینه های رفتارهای ناسازگارانه را در فرزندانشان افزایش دهند. آنتار و همکاران (۲۰۲۳) معتقدند که رفتار گرم والدین با فرزندانشان موجب سلامت روانشناختی آنها و برعکس طرد نمودن فرزندانشان مشکلات قابل توجهی را برای آنها به دنبال خواهد داشت (۲۰).

در پایان بایستی توجه داشت که نتایج پژوهش حاضر را با در نظر داشتن محدودیت های آن تفسیر نمود. از جمله محدودیت های پژوهش با توجه به نوع مطالعه (کیفی) و روش نمونه گیری در دسترس و تصادفی نبودن انتخاب اعضای نمونه، ممکن است تمام گروه های جامعه هدف مورد پوشش قرار نگرفته باشد. پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی جامعه هدف در قالب پژوهش های کمی و در چارچوب طرح های پیمایشی و نیز با نمونه ی وسیع تر مورد مطالعه قرار گیرد. همچنین طراحی پروتکل های درمانی بومی با محتوای فرهنگی در حوزه فرزند پروری پیشنهاد می شود.

نتیجه گیری

به طور کلی می توان گفت نتایج یافته های پژوهش حاضر حاکی از آن است که برخی از شیوه های تربیتی والدین بر سبک فرزندپروری تاثیر منفی خواهند گذاشت، به گونه ای که نتایج منفی آن در سال های بعدی، اثرات منفی خود را نشان خواهد داد. در کل اینکه لازمه ی شناسایی چنین شیوه های فرزندپروری، موجب می شود که والدین با آگاهی و شناخت از این گونه شیوه ها، در پرورش فرزندانشان خود از این چنین الگوهایی بهره نگیرند، ضمن اینکه بهترین شیوه فرزند پروری که همان شیوه فرزندپروری حمایت گر، مقتدرانه و معقول است (که در بخش دیگری از طرح حاضر بدان پرداخته شده است) را دنبال نمایند.

سپاسگزاری

از تمامی کسانی که ما را در انجام این مطالعه همراهی

نوعی تاثیر منفی را بر شیوه تربیت فرزندان و سبک فرزند پروری بر جای خواهند گذاشت، چراکه در خانواده هایی که روابط موثر خانوادگی بین زن و شوهر وجود نداشته باشد و یا شیوه های والدگری به شکل نامناسب تعریف شود، به تبع آن شکل ناسازگار سبک فرزند پروری ایجاد می شود که سلامت روانشناختی و اجتماعی فرزندان را با مخاطره مواجهه خواهد نمود.

در پژوهش حاضر، فرزند ابزاری سبکی از فرزند پروری را شامل می شود که والدین به جای حمایت و تربیت مقتدرانه و نیز پذیرش فرزندانشان آن گونه که هستند، آنها را هشیارانه و یا بر اساس عدم آگاهی ترغیب به رقابت شدید و یا مقایسه بدون منطق با دیگران کنند، در واقع این گروه از والدین خواسته و یا ناخواسته از فرزندانشان به عنوان وسیله ای در جهت رسیدن به برخی از مقاصد و امیال خویش استفاده خواهند کرد که گاهی بدون اینکه این مطلب مهم را متوجه شوند چنین اشتباهی را مرتکب خواهند شد. در سبک فرزند پروری مبتنی بر دلهره و تشویش والدین فرزندان خود را در موقعیت های هیجانی که ترس و اضطراب خصیصه قالب اینگونه موقعیت هاست پرورش می دهند. نتایج پژوهش های مختلف حاکی از آن است که قرار گرفتن مداوم کودک در شرایط اضطرابی مشکلات جبران ناپذیری را برای او در دوران بزرگسالی به دنبال خواهد داشت (۲۴). شیوه و همکاران بر این باورند که رفتار والدین (مخصوصاً مادران) بر اضطراب فرزندان تاثیر خواهد گذاشت (۲۵).

فرزند پروری از نوع بی اعتنا در پژوهش حاضر به حالتی اشاره دارد که والد یا والدین نسبت به اعمال و رفتارهای فرزندانشان در زمینه رشد و پرورش آنها به شکل بی خیال یا سهل گیر برخورد می کنند، چنین شیوه فرزند پروری تاثیرات بسیار منفی را بر رشد روانشناختی فرزندان به وجود خواهد آورد، در همین راستا نتایج پژوهش های بهمنی و همکاران نشان می دهد که هر چقدر والدین نسبت به رفتارهای فرزندانشان بی تفاوت باشند و محیط امن روانشناختی را برای رشد و تربیت آنها فراهم نکنند، تاثیر منفی چنین بی توجهی در سالهای بعدی برای فرزندان پدیدار خواهد شد (۲۰). از طرفی پژوهش ها نشان داده اند که سخت گیری بی دلیل و عدم انعطاف پذیری در تربیت و پرورش فرزندان می تواند به جای نتایج مثبت و دلخواه والدین، برعکس نتایج منفی را به وجود بیاورد (۲۶). صادقی

تأیید کمیته اخلاق دانشگاه فردوسی مشهد (دانشگاه مجری طرح) قرار گرفته است. همچنین در این مطالعه تلاش شده است که تمامی ملاک های روش شناسی تحقیق و اخلاق پژوهشی رعایت شود.

تضاد منافع

در این پژوهش بین نویسندگان هیچ تعارض منافی وجود ندارد.

کردند کمال سپاس و قدردانی را داریم. قابل ذکر است که مقاله حاضر برگرفته از قسمتی از طرح پسادکتری در راستای اجرای تفاهم نامه شماره ۵۹۶/ص/۱۴۰۱ مورخ ۱۴۰۱/۵/۲۶ با حمایت مالی بنیاد ملی نخبگان (طرح پسادکتری شهید دکتر چمران نخبگان) و صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور (INSF) و دانشگاه فردوسی مشهد با شماره طرح ۴۰۱۴۳۴۹ مصوب کمیته تخصصی جلسه مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۲۲ می باشد.

تأییدیه اخلاقی

این مقاله با شناسه اخلاق IR.UM.REC.1402.108 مورد

References

1. Patricia A T, Hui L, Debra U. Family Relationships and Well-Being, Innovation in Aging, 2017, 1 (3), igx025, <https://doi.org/10.1093/geroni/igx025>
2. Kalil A, Ryan R, & Chor E. «Time investments in children across family structures». The Annals of the American Academy of Political and Social Science, 2014, 654(1): 150-168. <https://doi.org/10.1177/0002716214528276>
3. Lee, E., Clarkson-Hendrix, M., & Lee, Y. Parenting stress of grandparents and other kin as informal kinship caregivers: A mixed methods study. Children and Youth Services Review, 2016, 69, 29-38. <https://doi.org/10.1016/j.chilyouth.2016.07.013>
4. Berge J, Sundell K, Ojehagen A, Hakansson A. Role of parenting styles in adolescent substance use: results from a Swedish longitudinal cohort study. BMJ Open. 2016, 6(1):e008979. <https://doi.org/10.1136/bmjopen-2015-008979>
5. Jensen, A. C., Whiteman, S. D., Fingerman, K. L., & Birditt, K. S. «Life still isn't fair»: Parental differential treatment of young adult siblings. Journal of Marriage and the Family, 2013; 75, 438-452. <https://doi.org/10.1111/jomf.12002>
6. Firdaus D RS. How does Minangkabau's Family Communication Pattern Affects Cultural Preservation and Cultural Erosion?. Jurnal KMP (Jurnal Komunikasi Pembangunan), 2020; 18(02), 104-116. <https://doi.org/10.46937/18202030330>
7. Gherasim, L. R., Brumariu, L. E., & Alim, C. L. Parenting style and children's life satisfaction and depressive symptoms: Preliminary findings from Romania, France, and Russia. Journal of Happiness Studies, 2017; 18(4), 1013-1028. Web. <https://doi.org/10.1007/s10902-016-9754-9>
8. Mesgarian, F., Azad Fallah, P., Farahani, H., & Ghorbani, N. Object Relations and Defense Mechanisms in Social Anxiety. 2017, 14(53), 3-14.
9. Bean R C, Ledermann T, Higginbotham BJ & Galliher R. V. Associations between Relationship Maintenance Behaviors and Marital Stability in Remarriages. Journal of Divorce & Remarriage, 2020; 61(1). 62-82 <https://doi.org/10.1080/10502556.2019.1619385>
10. Bornstein MH. Cultural Approaches to Parenting. Parent Sci Pract. 2012, 1;12(2-3):212-221. Epub 2012 Jun 14. PMID: 22962544; PMCID: PMC3433059. <https://doi.org/10.1080/15295192.2012.683359>
11. He H, Usami S, Rikimaru Y and Jiang L. Cultural Roots of Parenting: Mothers' Parental Social Cognitions and Practices From Western US and Shanghai/China. Front. Psychol. 12:565040. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2021.565040>
12. Bornstein MH, Cheah CSL. The Place of «Culture and Parenting» in the Ecological Contextual Perspective on Developmental Science. In Rubin, K. (Ed.), Parental beliefs, parenting, and child development in cross-cultural perspective New York: Psychology Press; 2006. 3-33.
13. Russell ST, Crockett LJ, Chao RK. Introduction: Asian American Parenting and Parent-Adolescent Relationships. In ST Russell, LJ Crockett, RK Chao (Eds.), Asian American Parenting and Parent-Adolescent Relationships. New York: Springer, 2010, 1-15. https://doi.org/10.1007/978-1-4419-5728-3_1

14. Crockett LJ, Veed GJ, Russell ST. Do Measures of Parenting Have the Same Meaning for European, Chinese, and Filipino American Adolescents? Tests of Measurement Equivalence. In ST Russell, LJ Crockett, RK Chao (Eds.), *Asian American Parenting and Parent-Adolescent Relationships*. New York: Springer. 2010, 17-35. https://doi.org/10.1007/978-1-4419-5728-3_2
15. Hong, J. S., Kim, D. H., deLara, E. W., Wei, H. S., Prisner, A., & Alexander, N. B. Parenting style and bullying and victimization: Comparing foreign-born Asian, US-born Asian, and White American adolescents. *Journal of Family Violence*, 2020, 1-13. <https://doi.org/10.1007/s10896-020-00176-y>
16. Zhang, W., Wei, X., Ji, L., Chen, L., & Deater-Deckard, K. Reconsidering parenting in Chinese culture: Subtypes, stability, and change of maternal parenting style during early adolescence. *Journal of Youth and Adolescence*, 2017, 46(5), 1117-1136. <https://doi.org/10.1007/s10964-017-0664-x>
17. Krippendorff, K. *Content analysis: an introduction to its methodology*, thousand oaks, california. Sage publications Inc. 2004, .p 39.
18. Poursamar S L, Azadfallah P, Farahani H. Conceptualizing emotion regulation in Iranian women: a qualitative research based on grounded theory approach, *journal of psychological achievements*, 2019, 26 (1); 59-78.
19. Wald N, Tadmor-Zisman Y, Shenaar-Golan V, Yatzkar U, Carthy T, & Apter A. Child-Mother Reappraisal and Child's Anxiety Among Anxious and Non-Clinical Groups. *Journal of Child and Family Studies* 2020: 29, 1642-1648. <https://doi.org/10.1007/s10826-019-01598-z>
20. Aktar, Rumana, Yuko Sugiura, and Kenji Hiraishi. «They Love Me, They Love Me Not»: An IRT-Based Investigation of the Child Parental Acceptance-Rejection Questionnaire with a Japanese Sample 1.” *Japanese Psychological Research* 65.1 (2023): 21-36. <https://doi.org/10.1111/jpr.12346>
21. Bahmani, Tahmine, Nazia Sadat Naseri, and E. Fariborzi. “Relation of parenting child abuse based on attachment styles, parenting styles, and parental addictions.” *Current psychology* 42.15 (2023): 12409-12423. <https://doi.org/10.1007/s12144-021-02667-7>
22. Lincoln Y S, Guba E G. *Naturalistic inquiry*, Thousand oaks, CA: 1986, Sage, P: 124. <https://doi.org/10.1002/ev.1427>
23. Mohsenpour, M. Evaluation of qualitative data. *Beyhagh*, 2015; 16(2): 50-55.
24. Albuлесcu, Ion, et al. “The Mediating Role of Anxiety between Parenting Styles and Academic Performance among Primary School Students in the Context of Sustainable Education.” *Sustainability* 15.2 (2023): 1539. <https://doi.org/10.3390/su15021539>
25. Shih, Emily W., et al. “A path model examination: maternal anxiety and parenting mediate the association between maternal adverse childhood experiences and children’s internalizing behaviors.” *Psychological medicine* 53.1 (2023): 112-122. <https://doi.org/10.1017/S0033291721001203>
26. Kugler, Philipp, Martin Kroczeck, and Anne Zühlke. “Parenting styles, socioeconomic status and (non-) cognitive skills.” (2023).
27. Sadeghi, Saeid, Hamid Reza Pouretamad, and Serge Brand. “Cognitive control and cognitive flexibility predict severity of depressive symptoms in parents of toddlers with autism spectrum disorder.” *Current Psychology* 42.29 (2023): 25594-25601. <https://doi.org/10.1007/s12144-022-03682-y>